

علم در ایران*

ذخیره خوارزمشاهی از اسمعیل گرگانی معروف به جرجانی

زین الدین ابوابراهیم اسمعیل بن الحسن بن محمد بن احمد الحسینی مشهور به سید اسمعیل جرجانی (معرب گرگانی) به سال ۴۸۰ هجری قمری برابر ۱۰۸۷ میلادی در گرگان یکی از شهرهای شمالی ایران چشم به جهان گشود و در سال ۱۱۳۶/۵۳۱ در مرو در شمال شرقی ایران درگذشت. (بعضی تولد او را به سال ۱۰۴۲/۴۳۴ و وفاتش را به سال ۵۳۱ هجری قمری ذکر کرده اند. در این صورت در هنگام مرگ ۹۴ سال داشته است که با توجه به میانگین طول عمر در آن زمان بعید به نظر می رسد). وی اواخر عمر را در دربار سلطان سنجر سلجوقی گذراند و به احتمال در هنگام مرگ تقریباً پنجاه و یک سال داشته است. او در چند جای کتاب ذخیره خوارزمشاهی از «شهر من» و حتی با نام از «گرگان» نه جرجان نام می برد، مانند: «در گرگان به آن ملازه [زبان کوچک در حلق] می گویند». و به همین جهت چه بهتر که او را به نام فارسی وی گرگانی بخوانیم.

گرگانی دانش پزشکی را نزد ابوالقاسم عبدالرحمان بن علی بن الصادق النیشابوری ملقب به بقراط ثانی، یکی از شاگردان ابوعلی سینا، و حدیث را نزد امام ابوالقاسم قشیری آموخت. او احتمالاً در حدود ۲۵ سالگی (۵۰۴/۱۱۱۰) به شهر خیوه، مرکز فرمانروایی

* برای آن که به ویژه جوانان و دانشجویان از سابقه دانشهای گوناگون در ایران آگاه گردند، و گمان نبرند در گذشته نیز ما به مانند امروز خوشه چین علم اروپاییان و امریکاییان بوده ایم، هرگاه فرصتی دست دهد، یکی از آثار علمی پیشینیان به توسط یکی از متخصصان و صاحب نظران، در زیر عنوان «علم در ایران» مورد بررسی قرار می گیرد.
ایران شناسی

سلطان قطب الدین محمد بن یمن الدین تکش خوارزمشاه رفت، و به خدمت او درآمد. چندی بعد سلطان از او خواست تا کتابی جامع درباره فن پزشکی به زبان فارسی به نگارش درآورد تا فارسی زبانان بتوانند از آن بهره ور شوند. گرگانی این امر را پذیرفت و پس از پایان کار، برای قدردانی از سلطان محمد خوارزمشاه آن را ذخیره خوارزمشاهی^۱ نام نهاد.

اثر بزرگ و جاودانی گرگانی، شامل ده کتاب است که هر «کتاب» به چند «گفتار» و هر گفتار به چند «باب» - و در چند مورد هر گفتار به چند «جزو» و هر جزو به چند باب - تقسیم شده است بدین شرح: کتاب نخستین: اندر شناختن حد طب و منفعت آن و شناختن مایه و مزاجها و خلطها و عادتها و تشریح اندامها و قوتها و اندامها، در ۶ گفتار؛ کتاب دوم: اندر احوال تن مردم از تندرستی و بیماری و اعراض بیماریها و اسباب آن و شناختن احوال نبض و احوال هرچه از مسموم و مجاری تن بیرون آید چون عرق و نفت و بول و غایط، در ۹ گفتار؛ کتاب سوم: اندر تدبیر نگاهداشتن تندرستی، در ۱۴ گفتار؛ کتاب چهارم: در ۴ گفتار؛ کتاب پنجم: اندر شناختن تب و اجناس و انواع و اسباب و علامات و علاج آن، در ۶ گفتار؛ کتاب ششم: اندر علاج بیماریها و اندامها از سر تا پای، در ۲۱ گفتار؛ کتاب هفتم: اندر بیماریها و آفتها که ممکن است همه اندامها را اقتد از سر تا پای چون آماسها و ریشها و جراحتهها و...، در ۷ گفتار؛ کتاب هشتم: اندر زینت و آراستگی و پاکیزگی ظاهر تن از سر تا پای، در ۳ گفتار؛ کتاب نهم: اندر چیزهای زیانکار و زهرها و دفع مضرت آن و علاج آن، و این کتاب را به تازی کتاب السموم گویند، در ۵ گفتار؛ عذر دیر تمام شدن این کتاب؛ کتاب منافع الاعضاء الحیوانات من الذخیره، اندر منافع اعضاء حیوانات به ترتیب الف، ب، ت، ث: کتاب قرا باذین، در ۲ گفتار.

در ذخیره گرگانی گزیده هایی از آثار دیگر دانشمندان نیز دیده می شود که از آن جمله اند: جالینوس (Galenos=Galen)، افلاطون (Platon)، بقراط (Hippkrates)، اسکله پیادس (Asklepiades)، ارکاگالیس، دیوسکوریدس (Dioskorides from Anazarbus)، ابن ماسویه، ابن القریش، مسیح، محمد زکریای رازی، ابوعلی سینا، علی بن عیسی. گرگانی در زمان حیات خویش به شهرت رسید. ولی از آن جا که اثر بزرگ او همانند آثار دیگر دانشمندان ایرانی در قرون وسطی به لاتین برگردانده نشد، در جهان غرب به شهرت آنان دست نیافته است. شاید دلیل آن در دسترس نبودن نسخه عربی کتاب بوده است. از قرائن چنین برمی آید که گرگانی خود این کتاب را به زبان عربی برگردانده بوده است که امروز متأسفانه از آن نشانی در دست نیست. ذخیره در قرون وسطی به زبان عبری برگردانده شده است. همچنین در قرن شانزدهم به زبان ترکی و سپس به زبان اردو ترجمه شده است.

نسخه های خطی ذخیره خوارزمشاهی در بیشتر کتابخانه های معتبر جهان وجود دارد که بعضی کامل و تعدادی نیز ناقص هستند.

گرگانی در کتاب خویش تمام دانسته های پزشکی آن زمان را که پیش از او ابن سینا در کتاب قانون فی الطب و رازی در الحاوی کبیر به زبان عربی نوشته بودند (زیرا زبان علمی آن زمان عربی بود) با نتیجه پژوهشها و تجربه های خویش به زبان فارسی نوشته و تا حد امکان به جای واژه های علمی عربی معادل فارسی آنها را به کار برده است. وی بیشتر بر پایه مشاهده و تجربه های اکتسابی خویش درباره نظریه دیگران از جمله جالینوس به اظهار نظر پرداخته است. به طور کلی کتاب ذخیره را باید در رده کتابهای جامعی قرار داد که امروزه به وسیله چند تن در یک رشته پزشکی تألیف می شوند مانند طب داخلی یا جراحی و غیره، و از آن جا که تمام رشته های پزشکی آن روزگار در این اثر بزرگ گردآوری شده است، کار او را حتی می توان یک دایرة المعارف پزشکی محسوب داشت. با مطالعه آن، خواننده به احاطه و تجربه بارز او در پزشکی و واژه های فارسی متداول در آن زمان به ویژه در گرگان یا مرو پی می برد. خود وی در کتاب اولش می نویسد:

و اگر چه اندر علم طب کتابهای بزرگ بسیار تألیف کرده اند، لکن هیچ کتابی نیست که طیب از آن کتاب به کتابهای دیگر مستغنی گردد و تا اندر هر غرضی و مقصودی به کتابهای دیگر بازنگردد و از هر جایی نتواند مراد او حاصل نگردد، و این کتاب چنان جمع کرده آمده است که طیب را اندر هیچ باب به هیچ کتاب دیگر حاجت نباشد.

او در این کتاب به نوع تغذیه و مسکن و محیط زیست اهمیت زیادی نشان داده است. چنان که در آغاز کتاب اول می نویسد:

هوای این ولایت [خیوه] شمالی است [وزش باد از سمت شمال] و چنین هوا خوشتر و صفی تر باشد [...] ولیکن با این همه خیرات، اتفاقات ناموافق اندر این ولایت بسیار است. یکی از آن جمله آن است که هوایی بدین درستی و پاکیزگی به سبب بخار این پلید بها که اندر این شهر است هوای شهر ناخوش و زیانکار می شود، و دیگر آن که بیشتر خوردنیها می پوسانند، پس می خورند، و اندر زمستان خربزه که تری گذاشته باشد، و چون نمدی گشته از آن می خورند و بدین سبب بیماریهای مشکل و آماسهای بسیار می باشد [...] و اندر فصل بهار که هوا و آب به گرمی می گراید و مادتها اندر تن فزونی گیرد و بگدازد و اندر سیلان آید، ماده نزله به سینه و به امعاء فرود می آید، بیماری سل و زحیر [دل پیچه] و اسهالهای گوناگون تولد می کند.

گرگانی همانند اقران خود به شرح حال بیمار (Anamncse-Health History) و چهار

نشان مهم (IPPA) در معاینه بیمار - که رازی در کتاب الحاوی کبیر خویش آورده است - پایتد است بدین شرح: مناظره بیمار (Inspection)، لمس (Palpation)، دق (Percussion) و سمع (Auscultation). در کتاب دوم، گفتار دوم، درباره پیشگویی سیر بیماری (Prognostic) مطالبی نگاشته است که امروز نیز مورد قبول پزشکان است و در معاینه بیماران به کار برده می شوند. از نظر تکمیل آزمایشهای بالینی روشهای پیرا پزشکی (پارا کلینیک) مانند معاینه ادرار، مدفوع، و نبض را شرح داده و روش شناخت بیماری را از طریق این معاینات متذکر گردیده است. در همین گفتار، گرگانی می گوید اگر پزشکی بخواهد از علائم ظاهری به وضعیت درون بیمار پی ببرد، باید تشریح (Anatomy) اندامها و کار (Physiology) آنها را بداند، و به همین جهت خود او به شرح تشریح و کالبدشناسی بدن انسان پرداخته است. گرگانی تعداد اعصاب مغز (central nervous system) را هفت زوج، و اولین زوج را عصب بویایی (N. olfactorius) و عصب بینایی (N. opticus) که مجاور آن است ذکر کرده. او عصب بینایی را عصب مجوف یا توخالی ذکر نموده است. گمان می رود که علت مجوف نامیدن این عصب آن بوده است که چون در وسط این عصب به ویژه در شبکیه، شریان و سیاهرگ مرکزی شبکیه (Central retinal artery and vein-or vasa centralia retinae) قرار دارند، و پس از مرگ با خارج کردن چشم برای معاینه لایه های آن، خون آنها بیرون می ریزد، این قسمت میانی تقریباً خالی به نظر می رسد (به خصوص در زیر میکروسکوپ)، در حالی که آندریاس وزالیوس (Anderias Vesalius)، پدر کالبدشناسی در اروپا، حدود چهارصد سال بعد از گرگانی در کتاب مشهور خویش به زبان لاتین، به نام ساختمان بدن انسان (*Fabrica corporis humani* (1543 Chr.)) نیز همانند جالینوس و گرگانی تعداد اعصاب مغز را هفت زوج ذکر کرده بدون این که عصب اول یعنی عصب بویایی را در جزو آنها به شمار آورده باشد. نامگذاری دوازده زوج اعصاب مغزی در سال ۱۷۷۸ میلادی به وسیله یک دانشجوی آلمانی به نام von Sommering در پایان نامه پزشکی وی در شهر Gottingen پیشنهاد شده است، ولی حتی در اولین چاپ کتاب کالبدشناسی (*Gray's Anatomy* - 1858) شماره اعصاب ۹ زوج ذکر شده بوده است. گرگانی مغز را سرمنشأ حس و حرکت ارادی دانسته است و پرده های مغز را دو نوع ذکر کرده است (امروزه سه پرده می شناسند): یکی غشاء رقیق (ظریف = *Pia mater*) که مماس با دماغ (بر روی مغز) قرار گرفته، و دیگری غشاء صغیق (*Dura mater* = ضخیم) که مماس بر سطح درونی کاسه سر است که هر دو پرده مغز را در برابر ضربه ها و یا فشار حفظ می کنند. نام این دو پرده در قرون وسطی رواج یافت و آنها

را پرده های مادر یا حافظ مغز (سخت شامه = Dura mater و نرم شامه = Pia mater) نامیدند. پرده دیگری که بین این دو قرار گرفته و عنکبوتیه (Arachnoidea) نام دارد در قرن هفدهم میلادی معرفی شده است.

گرگانی بن زبان را، گوشتی غددی ذکر کرده که آب (ترشح آبکی) و لعاب ترشح می کند که امروزه با یاری میکروسکوپ نوری (Light-Microscope) می دانیم که در این قسمت جوانه های چشایی و غدد مترشح مواد آبکی (سیال = seros) و مخاطی (لعابی = mucose) قرار دارند. وی حتی نقش حنجره و زبان و بینی را در ادای سخن بیان نموده است و مهم این که یاد آور شده است که حنجره باید مرطوب باشد و غدد آن به طور مرتب ماده (لعابی) مخاطی ترشح کنند و گرنه از حنجره خشک آوازی بر نمی خیزد. او می نویسد یک تکه گوشت بالای حنجره [= در حلق] قرار دارد که در گرگان به آن ملازه (زبان کوچک = Uvula) می گویند. او طرز قرار گرفتن مری یا سرخ نای (Oesophagus) و خشکنای (Trachea) را نسبت به یکدیگر و ساختمان نعل اسبی غضروفهای خشکنای را به درستی شرح داده است. او حتی همراهی دو عصب را در طرفین مری ذکر کرده که امروز آنها را به نام عصب مهاجر (N. vagus = ریوی معدی) می شناسیم. او همچنین به درستی حرکت انقباضی و انبساطی قلب و رگها را توضیح داده است.

نکته مهمی را که در این جا باید یاد آور شد آن است که جالینوس به جای انسان، میمون تشریح می کرده است، و به همین جهت شکلهایی را که کشیده همه از بدن میمون است و تا قرون وسطی این تصور وجود داشت که این شکلها متعلق به بدن انسان است و به همین سبب اشتباههای فاحش او طوطی وار در کتابهای حکیمان بعد از وی ثبت و نقل شده است. چنان که بعضی از این خطاها در کار گرگانی - آن جا که از مطالب جالینوس استفاده کرده است - دیده می شود.

گرگانی شرح مفصل و بسیار جالبی نیز درباره طرز تغذیه و شناخت مواد غذایی و سود و زیان هر یک از آنها داده و حرکت و مقدار صرف غذا را برای تندرستی بسیار مهم دانسته است. چنان که می دانیم امروز هر یک از این دو، رشته ای جداگانه (ورزش و علم تغذیه) است. او برای تقویت روانی بیماران نیز ارزش زیادی قائل شده است. در کتاب سوم می نویسد:

و از تدبیرهای صواب که اندر نگاهداشتن قوت باید کرد شاد داشتن بیمار است و مرادهای او دادن رضای او جستن و او را از هوایی به هوای موافق تر (آسایشگاه = Sanatorium) و از جایی به جای خوش آوردن و دوستان او را پیش او حاضر داشتن و به خبرهای خوش و امیدوارها

بشارت دادن، تا قوت حیوانی و نفسانی بدن قوت همی گیرد.

همچنین در کتاب سوم، انواع داروهای قی آور و ملین، و خواص و زیان آنها؛ طرز تهیه آنها، و نیز درمان اسهال، و سپس به ترتیب حروف الفبایی گیاهان دارویی و سایر مواد شفا بخش (Pharmacology) را به رشته تحریر درآورده است.

یکی از نکات بسیار جالب در کتاب اول وی، ذکر این مطلب است که در بیضه، منی (Sperm) تولید می شود. او می نویسد:

خایه آلت تولید منی ست و منی از خونی تولید کند که از همه اندامها بیاید و به وی رسد و راه این خون شاخهای رگهاست.

با نبودن میکروسکوپ نوری در آن زمان و عدم آگاهی بر دانش بافت شناسی (Histology) و این که سرچشمه منی را خون ذکر نموده، و با توجه به این که عده زیادی از حکیمان شرق و غرب دارای چنین اطلاعاتی نبوده اند و اگر هم چیزی در این باره نوشته اند نادرست است، باید این مطلب را از شاهکارهای گرگانی دانست.

درباره نبض همانند جالینوس و ابن سینا می نویسد:

نبض حرکت شریانها را گویند و هر نبضی از دو حرکت است و از دو سکون، یک حرکت، حرکت انقباض است و یک سکون، سکونی که از پس حرکت انقباض باشد و حرکت دوم حرکت انقباض است، و یک سکون سکونی که از پس حرکت انقباض باشد.

جالینوس انقباض شریانها را همزمان با انقباض قلب دانسته است که نظریه اشتباهی ست و انقباض شریانها (پرسیدن آنها از خون و در نتیجه افزایش قطر آنها) از پی انقباض قلب پدید می آید. (ویلیام هاروی - William Harvey 1578-1657 - پزشک انگلیسی این نظریه را رد کرده است) در حالی که ده قرن پیش از وی روفوس (Ruphus) در رساله خود انقباض شریان را با انقباض قلب همزمان دانسته بود. و معلوم می شود این مطلب روفوس به دست گرگانی نرسیده بوده و خبری از آن نداشته است. گرگانی روش گرفتن نبض در میج دست را در طرف زنداعلی (Radial) و به یاری چهار انگشت چنان دقیق نوشته است که امروز نیز پزشکان آزموده و مجرب به همان نحو عمل می کنند.

گرگانی درباره مرگ در کتاب دوم، گفتار نهم، جزو سوم، باب دوم می نویسد:

مرگ عارضی [= عارضه ای] نیست که آن را به تدبیر و علاج باز توان داشت، از بهر آن که ترکیب تن مردم ترکیبی پایدار نیست و مادتهای او همه اثر پذیر [پذیرنده] و تباه شونده است و ممکن نیست که همیشه تن او را از تحلیل و تباه شدن نگاه توان داشت «پس چون تن او را از تحلیل و تباه شدن نگاه نمی توان داشت» چنین نتیجه می گیرد که «پایداری او [بدن] گسسته شود» و

مرگ فرامی رسد.

او «علت بند آمدن خونریزی ماهانه زنان را در زمان آبستنی نیاز رویان (Embryo) به مواد غذایی دانسته است». هر چند این موضوع خیلی ساده بیان شده است ولی با دانش امروز و عمل هورمونها نتیجه تقریباً همان است که او نوشته (اختلال در خونسازی و رشد رویان و خطر سقط رویان). گرگانی طرز قرار گرفتن جنین (= رویان) را در زهدان (uterus) هنگام زایمان که با سر یا با ته خواهد آمد به درستی شرح داده است.

اوزمان بحران بیماری و آگاهی بر شناخت آن را ذکر کرده است. در کتاب پنجم، تب و انواع آن و علل بروز و درمان هر نوع را شرح داده است. تبهای عفونی آن زمان و درمان آنها را بسیار خوب نگاشته است. بیماریهایی چون آبله و حصه را - و این که جزو بیماریهای بثوری هستند - به طور مشروح مطرح کرده است. در بخشی دیگر مراقبتهای پس از بیماری و درمان ضعف بیمار را آورده است که امروز نیز امری بسیار مهم و ضروری است. گرگانی صرع (Epilepsy) و تشنج را شرح داده و طرز درمان آن را ذکر کرده است که با دانسته های امروز ما تطبیق نمی کند، ولی نشانهایی را ذکر کرده که امروز نیز صادق است. او انواع فلجها و بیماری پارکینسون (لقوه و لرزش دست (رعشه) و سردرد و علل آن و درمان آنها را به بحث کشیده است. همچنین به شرح بیماریهای چشم (Ophthalmology)، علل و انواع آن و عوارض پلکی و ملتحمه (conjunctiva) و درمان آنها پرداخته است، آن گاه بیماریهای گوش و حلق و بینی و لب و زبان و دندان و نشانهای (Symptoms) آنها، از جمله دیفتری (خناق = Diphtheria) و درمان آنها را ذکر کرده است. وی به بیماریهای دستگاه تنفس (Respiratory System) و درمان آنها به ویژه ذات الریه (Pneumonia)، سسل (Tuberculosis) ذات الجنب (Pleuritis)، و هموتیزی (Hemoptysis) = خونریزی ریوی از طریق خشکتهای و دهان)، و دمل ریه (Pulmonary abscess) نیز پرداخته است.

وی در کتاب دوم شرحی کامل درباره ادرار و رنگهای آن نوشته که بسیار جالب است به ویژه که ادرار سپیدرنگ فراوان (Polyuria) و تشنگی شدید (Polydipsia) را دیابتیس (دیابت) ذکر کرده که به احتمال منظور همان بیماری قند (Diabetes mellitus) می باشد. همچنین شرح مفصلی درباره عرق و رنگ و بوی آن دارد که با دانسته های امروز برابر است. و رنگ سیاه یا قرمز عرق را که بدان اشاره کرده موضوعی است که اکنون هم مورد گفتگوست. درباره شناخت اخلاط سینه از روی قوام و رنگ و شکل و تشخیص بیماری مطالبی مورد قبول ارائه داده است. در همین کتاب شرحی درباره علایم (Symptoms) دیده

می شود که امروز به نام علم نشانه شناسی (Symptomatology) در تشخیص بیماریها از آن استفاده می شود. گفتاری جالب نیز درباره بیماریهای دستگاه گوارش (Alimentary System) و کبد (liver) دارد. نشانهایی از سرطان کبد (Cancer of liver)، و سیروز کبدی (Cirrhosis of Liver) و یرقان (Icterus) می دهد که جالب است. اسهال خونی (Dysentery) را شرح داده و راجع به بواسیر (Hemorrhoid) و شقاق (Fissure) و بیماریهای انگلی مانند کرمک (اکسیور = Oxyuriasis) و اسکاریس (Ascariasis lumbricoides) و حتی گردش لارو (Larv) آسکاریس در ششها و ایجاد سرفه ناشی از خروج آن، و کرم کدو (Taenia saginata-tapeworm) ناشی از خوردن گوشت گاو مبتلا و راه درمان آنها را شرح داده است.

بیماریهای مجاری ادرار (گمیز) و مثانه (گمیزدان = Urinary bladder) و سنگهای این مجاری و درمان آنها و حتی راه جراحی مثانه را برای خارج کردن سنگ، بیماریهای دستگاه تناسلی مردان و فتق (Hernia) و آب آوردگی بیضه (Hydrocele)، بیماریهای زنان و زایمان (Gynecology and obstetrics)، سرطانهای زهدان (cancer of uterus)، نقرس (Gout)، طاعون (Pestilence)، دملها (Absces)، سوختگیها، استئومیلیت یا چرکی شدن استخوان (Osteomyelitis)، زخمهای سزاده و عفونی، دررفتگی استخوانها (Luxation - dislocation) شکستگی استخوانها (Fracture of bone)، بیماریهای پوست و موی و ناخن (Dermatology, hair and nail)، زهرها و پادزهرها، مارگزیدگی و گزش حشرات موذی، بیماری هاری (Hydrophobia-rabies) و گاز گرفتن سگ یا گرگ ها و حیوانات دیگر و درمان آنها را در طی کتاب نهم گرد آورده است. کتاب دهم او به نام «قرا بادین» را باید یک کتاب درمان شناسی (Treatment of Disease) و داروشناسی (Pharmacology) دانست که در آن اثر و ساخت داروها را به طور دقیق شرح داده است.

از دیگر آثار گرگانی درباره پزشکی می توان کتابهای زیر را نام برد:

اغراض الطب؛ کتابی ست بر پایه ذخیره خوارزمشاهی، اما در موارد زیادی دارای افزوده ها و دگرگونیهای ست. این اثر به خواست مجدالدین ابومحمد صاحب بن محمد التجاری، وزیر ابوالمظفر اتسزبن خوارزمشاه فرزند سلطان محمد نگاشته شده و شامل دو بخش است و خلاصه ای ست از ذخیره و کلیات بیماریها و داروشناسی. بخش اول، خود به دو جلد تقسیم شده است. در جلد اول پانزده گفتار و در جلد دوم سه گفتار آمده است که گفتار اول از جلد دوم شامل شانزده باب است، و گفتار دوم آن به سه بخش: ۱- داروهای مغذی؛ ۲- داروهای حیوانی؛ و ۳- داروهای گیاهی و کانی تقسیم شده است، و بالاخره

گفتار سوم آن مشتمل بر بیست باب است. بخش دوم کتاب شامل بیست و شش گفتار است.

کتاب دیگر وی حنفی علایی^۲ است که گرگانی به خواست اتسز خلاصه ای از ذخیره را به طوری که بتوان آن را در چکنه نهاد و همه جا به همراه داشت در دو طومار نوشته شده است. طومار اول شامل دو مقاله در باب تندرست ماندن (شش باب) و تشخیص بیماریها (هفت باب) است. طومار دوم دارای هفت مقاله است و در آن مطالب جالبی زیر عنوان اندرزهایی برای پزشکان، درمان بیماریهای موضعی (هیجده باب)، تب و سرخک و آبله، غده ها و دملها و جراحات، شکستگیها و ضرب خوردگیها و دررفتگیها، بیماریهای مو و پوست، پادزهرها ارائه شده است.

کتاب طب یادگار^۴ خلاصه ای از حنفی علایی به ویژه شامل دارو و درمان شناسی است که می توان آن را نخستین یادآور Memorex پزشکی در جهان دانست.

دانشگاه یوهانس گوتنبرگ، ماینس، آلمان

یادداشتها:

- ۱- سید اسماعیل جرجانی، ذخیره خوارزمشاهی (چاپ عکسی)، به کوشش سعیدی سیرجانی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی؛ ذخیره خوارزمشاهی، نسخه خطی، نوشته شده در سال ۱۰۲۰ هجری قمری، محفوظ در کتابخانه سلطنتی برلین.
- ۲- اغراض الطب، چاپ بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۵.
- ۳- حنفی علایی یا الخفیه العلاییه، به کوشش دکتر محمود نجم آبادی و دکتر علی اکبر ولایتی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۹.
- ۴- یادگار، فهرست منابع پزشکی ایران، آدلف فونان، لایزیگ ۱۹۶۸ (چاپ اول ۱۹۱۰).